

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شماره چهارم سال شانزدهم

۱۳۴۸

(شماره مسلسل ۶۸)

فروردین ماه

تخت سلیمان و زندان سلیمان

بقلم کلایس

قائم مقام مؤسسه باستانشناسی آلمان در ایران

حفریات تخت سلیمان توسط مؤسسه باستانشناسی آلمان و با کمکهای مالی جامعه تحقیقاتی آلمان در سال ۱۳۳۸ آغاز و همه ساله ادامه یافته است. مبتکرین این حفریات پرفسور دکتر کورت اردمان متوفی و پرفسور دکتر اریش بوهرینگر رئیس وقت مؤسسه باستانشناسی آلمان و آقای پرفسور دکتر آیلرس بوده اند. در سال ۱۳۳۷ پرفسور دکتر هانس هنینگ فن دراستن و پرفسور «برتیل آلم گرن» سوئدی محل تخت سلیمان را مورد بازدید قرار داده و آزمایشهای مقدماتی را انجام دادند.

سپس در سال ۱۳۳۸ حفریات مربوطه تحت ریاست پرفسور «فن دراستن» و پرفسور «رودلف ناومان» تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و اعلیحضرت گوستاو ششم پادشاه سوئد بعنوان یک حفاری ایرانی-آلمانی و سوئدی آغاز گردید. پس از مرگ نابهنگام پرفسور «فن دراستن»، پرفسور «رودلف ناومان» عملیات حفاری را در سال ۱۳۳۹ ادامه داد

و در دفعات مختلف از کمکهای «هانس گنورگ اوهرل» و «ولفرام کلایس» و در حال حاضر از همکاری دیتریش هوف برخوردار شده می‌شود. من می‌دانم به نام کلیه افرادی که در این حفاری شرکت نموده می‌کنند از دولت شاهنشاهی ایران و اداره کل باستانشناسی و آقایان خرم‌آبادی، سرفراز، ایمانی، رهبر، زاهدانی، گنج‌ناوی، رهنمون و یاسی که باما همکاری نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

نتایج حاصله از حفاری در تخت سلیمان و زندان سلیمان تاکنون بصورت گزارشهای مقدماتی در مجله «تهران‌فور شونگن» شماره اول، سال ۱۹۶۱ و در مجله «آرشنولوگیش» آنسایگر» وابسته به سالنامه مؤسسه باستانشناسی آلمان در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ منتشر گردیده است. بدیهی است که نتایج حفاری سال ۱۹۶۵ نیز در معرض اطلاع عامه گذارده خواهد شد و همچنین گزارش نهائی درباره زندان سلیمان در دست تهیه می‌باشد. علاوه بر این در شماره ایران مجله مناسبات خارجی، شماره ۳ و ۴ سال ۱۹۶۰ و در مجله «ایلاستریند لندن نیوز» مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۶۵ نیز مطالبی درباره تخت سلیمان انتشار یافته است.

تخت سلیمان در آذربایجان غربی و تقریباً در یک فاصله مساوی بین تبریز و همدان در منطقه افشار و ۴۲ کیلومتری شمال شرق تکاب قرار دارد. در یک دره تپه‌ای با ارتفاع ۵۰ متر و بشکل بیضی واقع شده که در داخل آن یک دریاچه به عمق ۶۰ متر وجود دارد. آب این دریاچه از یک چشمه بزرگ آب گرم تأمین می‌شود و آب آن بقدری آهک دارد که رسوب آهکی تشکیل داده و بتدریج کوه تخت سلیمان را بوجود آورده است. بنا به مقتضیات طبیعی این منطقه یک دیوار قطور دفاعی بادو دروازه بزرگ و ۳۸ برج نیم‌دایره‌ای شکل کوه را احاطه کرده است.

در قسمت عقب عکس سمت راست زندان سلیمان و تپه مجید قرار دارد. گرچه اسم این محل تخت سلیمان است ولی هیچ‌گونه اشاره و یا توضیحی درباره نام قدیمی محل بدست

نمی دهد. نام زندان سلیمان نیز ارتباطی با این محل ندارد و فقط شاید بعلت وضع وحشتناک آهکهای خشک شده چنین اسمی روی آن گذارده اند که در این باره بعداً بحث خواهیم نمود.

«سر رابرت کیرپورتر» در سال ۱۸۱۹ میلادی تخت سلیمان را دیده و «سرهنری رالینسن» در سال ۱۸۳۸ میلادی برای نخستین مرتبه به توصیف این محل پرداخته است. مطالب جدید درباره این محل در سال ۱۹۳۷ از طرف پرفسور «شمیت» توأم با عکسهای هوایی روشن و واضح از تخت سلیمان و زندان سلیمان منتشر گردید و در همان سال هیئت اعزای امریکائی بریاست «ویلبِر» و «پوپ» بدون حفاری به کشف دو ساختمان مکعب شکل هریک با چهارستون در داخل ساختمان بعنوان ساختمانهای اشکانی موفق گردید. با این ترتیب بنظری رسید که فرصیه تطبیق تخت سلیمان با قلعه اشکانی «فرا اسپا» - که مارکوس آنتونیوس در سال ۳۶ قبل از میلاد هنگام لشکرکشی انتقا جویانه خود برای شکست دادن کراسوس، بیهوده وبدون اخذ موفقیت محاصره نموده بود - به ثبوت رسیده است.

ولی حفاری ما صریحاً نشان داده است که در تخت سلیمان هیچ گونه ساختمانی مربوط به زمان اشکانیان وجود ندارد و تخت سلیمان نمی تواند با قلعه فرا اسپا قابل انطباق باشد، برعکس نام «شیز» که طبق نوشته ابن مهلهل در قرن دهم میلادی به این محل اطلاق شده و همچنین نام «ساتوریق» برای کاخ ابا قاخان مغول در تخت سلیمان در اواخر قرن سیزدهم مطمئن بنظر می رسد. با این ترتیب تخت سلیمان دارای دو دوره ساختمان اصلی بوده است یکی در زمان ساسانیان یعنی از قرن سوم پس از میلاد مسیح تا هجوم اعراب به ایران در قرن هفتم میلادی، و دیگری در زمان مغول، در پایان قرن سیزدهم میلادی.

* * *

در بادی امر حصار زمان ساسانیان با دو دروازه ساسانی و ۳۸ برج نیم دایره ای شکل و در داخل آن دو ساختمان مستطیل شکل، که در اصل مربع شکل بوده به چشم می خورد. یکی از این دو ساختمان به دور دریاچه به وسعت ۸۰ تا ۱۰۰ متر واقع شده و ساختمان دیگر که در شمال قرار دارد بوسیله راهرو هائی که قسمتی از آنها قابل دیدن بوده و قسمتی دیگر باید تکمیل شود مشخص بوده و ساختمان مرکزی را در داخل خود جای داده است.

منطقه اصلی حفاری در اینجاست، زیرا آتشکده و ساختمانهای منضم به آن در اینجا قرار دارد. در زمان ساسانیان دو دروازه یکی در شمال و دیگری در جنوب شرقی وجود داشته. اینطور بنظر می رسد که دروازه شمالی این قلعه دروازه اصلی بوده است. از این دروازه چندین حیاط متوالی به یک حیاط ستون دار و از طریق یک تالار به آتشکده منتهی می گردد. ولی باید در این مورد تحقیقات بیشتری بعمل آورد.

درهای آتشکده به یک ایوان و از آنجا به سمت دریاچه تخت سلیمان که کمی جنوبی تر قرار دارد باز می شود. درباره آتشکده و اطاقهای متصل به آن بعداً گفتگو خواهد شد. در مشرق آتشکده در سالهای گذشته گروهی از اطاقها به اشکال مختلف و همچنین حیاطهای روباز و راهروهای، برخی بطور کامل، و برخی دیگر بطور ناقص، از زیر آوار بیرون آورده شده است.

در مغرب آتشکده یک حصار و یک راهرو طویل که از شمال به جنوب ادامه دارد، آتشکده و ساختمانهای منضم به آن را از یک تالار ستون دار که از لحاظ تاریخ ساختمان قدیمی تر است، جدا می کند. این آتشکده که بدون شک به دیوار راهرو چسبیده احتمالاً بجای یک آتشکده قدیمی تر ساخته شده است.

اعضاء هیئت حفاری بر این عقیده هستند که تالار ستون دار قسمتی از کاخ را تشکیل می داده است.

کمی بیشتر بطرف مغرب، در سال ۱۹۶۵ اطاقها و راهروها و در سمت خارجی راهروی زاویه شکل برج های نیم دایره ای و پیش آمده از زیر آوار بیرون آورده شده است. نتایج حفاریهای سال ۱۹۶۵ هنوز در نقشه ای که در اینجا بعرض حضار محترم می رسد منعکس نگردیده است.

ایوان بزرگ واقع در کناره غربی دریاچه که در قسمتهای پائین خود از سنگهای مکعب شکل و آجر ساخته شده مربوط به دوره ساسانیان است، در حالی که قسمتهای فوقانی آن که هنوز پابرجا است در زمان مغولها با سنگهای نامنظم و شکسته از نو ساخته شده است. از تمام ایوان که جرز جنوبی آن، بشکل ستون شمالی در عکس سال ۱۹۳۷ هنوز پابرجا بوده در سال ۱۹۵۸ سرنگون شده بود.

در سمت دیگر یعنی در ساختمانهای مشرق دریاچه ، یک ایوان که تا بحال فقط یک سرستون آن کشف شده و روی آن یک ایوان مربوط به مغولها ساخته شده است وجود دارد . در دو طرف ایوان غربی بزرگ زمان ساسانیان ساختمانهای بشکل راهرو به چشم می خورد و ممکنست که راهرو پهن وسط کاخ در سمت غربی تالار بزرگ به یک فضای گنبدی شکل منتهی شود . در سمت شمالی آن در سال ۱۹۶۵ یک فضای هشت ضلعی مشاهده شده است که هر یک از اضلاع آن دارای طاقچه هائی می باشد . این ساختمان که ممکنست دارای سقف گنبدی شکلی بوده باشد در زمان مغولها ساخته شده است . در جنوب ایوان بزرگ زمان ساسانیان ، کاخ مغولها در کنار دریاچه قرار دارد و دارای یک ساختمان دوازده ضلعی و تالارها و اطاقهائی که بشکل صلیب یکدیگر را قطع می کنند و همچنین یک راهرو سر پوشیده ستون دار در امتداد ساحل دریاچه می باشد .

یک چنین راهرو سر پوشیده ستون دار در قسمت شمال دریاچه تخت سلیمان نیز بین ایوان بزرگ زمان ساسانیان و ایوان آتشکده قرار دارد .

یک راهرو ستون دار سر پوشیده نیز در سمت جنوبی ساختمان کنار دریاچه وجود دارد و در وسط بوسیله یک ایوان قطع می گردد و این ایوان را می توان مدخل کاخ دریاچه دانست و در سر این راه ، سه دروازه وجود داشته است . این دروازه های مغولی بوسیله حصار زمان ساسانیان قطع می گردد و در محور مرکزی تمام ساختمانهای تخت سلیمان قرار دارد .

چون از ساختمانهای مغولی چیزی جز پایه های آنها باقی نمانده است وضع ساختمانی حصار زمان ساسانیان بخوبی هویدا است . هسته مرکزی این حصار از سنگهای نامنظم ساخته شده و روی آن یک پوسته از پیش آمدگیها و قسمتهای اتصالی وجود دارد که این قسمتهای اتصالی برای متصل ساختن پوسته خارجی حصار با هسته مرکزی آن بشمار می رود . روی این حصار راهی برای عبور سپاهیان وجود داشته و در زمان ساسانیان در سمت داخل آن یک توده خشت و گل بعرض ۱۱ متر در تمام طول حصار ادامه داشته است .

دروازه‌های زمان ساسانیان بشکل یک دالان از میان این توده خشت و گلی عبور می‌کرده و این امر هنوز در نزدیکی دروازه شمالی بخوبی مشهود است .

قسمت شرقی ساختمانهای مغولی کنار دریاچه نیز از یک راهرو و سرپوشیده ستون‌دار و در پشت سر آن از یک ساختمان شبیه به قصر که تا کنون بندرت در آنجا حفاری شده است تشکیل می‌گردد .

در سمت غربی کاخ مغولان یک ساختمان مکعب شکل که در داخل دارای چهار ستون است قرار دارد و در مقابل آن یک ساختمان دیگر در حیات زمان ساسانیان در شمال آتشکده وجود دارد که قشرهای ساختمانی آن خیلی تازه تر بوده و از اینرو بالاتر قرار دارد . این دو ساختمان همانهایی هستند که «ویلیبر» در سال ۱۹۳۷ بعنوان ساختمانهای اشکانیان تلقی کرده است ولی حفاریات بعدی کاملاً نشان داد که ساختمان غربی، مغولی، و ساختمان شمالی، مربوط به بعد از مغول می‌باشد .

قسمت شمال تحت سلیمان که هنوز کاملاً مورد تحقیق قرار نگرفته است . پوشیده از بقایای ساختمانهایی است که قسمت جزئی آن مغولی بوده و قسمت عمده آن بعد از مغول ساخته شده است . بعد از کاخ زمان مغول ، در این نقطه از تخت سلیمان ، یک دهکده وجود داشته که اهالی آن در داخل حصار محافظ ، و قسمتی نیز در عمارات موجود و متروک مربوط به زمان مغول سکونت داشته‌اند . در اینجا یک گورستان کوچک با یک امامزاده که در کنار خرابه‌های ایوان آتشکده ساخته شده بوده نیز بچشم می‌خورد .

از زمان رونق این دهکده نیز یک محراب که از سنگهای شنی قرمز ساخته شده بدست آمده است . تزئینات دیوارهای کاخهای مغولی که بطور کلی از نوع مخصوص مساجد نبوده ، با هنر تزئینات مربوط به قرن سیزدهم در ایران ، کاملاً مطابقت داشته است .

متأسفانه تا کنون در تخت سلیمان قطعات کامل کاشی و گچ بری که به یکدیگر مربوط باشد پیدا نشده است و هرچه پیدا شده فقط قطعات نامربوط بوده است .

کانون و مرکز تمام ساختمانهای تخت سلیمان ، آتشکده زمان ساسانیان می‌باشد .

بطور کلی ساختمان آتشکده تخت سلیمان که بزرگترین آتشکده در نوع خود بشمار می رود بسببک معروف چهارطاق که دور آن را راهروهای احاطه کرده است می باشد .

راهروها دارای طاقهای مخصوص زمان ساسانیان بوده و محوطه مرکزی نیز دارای یک سقف گنبدی شکل بوده است که روی چهارطاق و چهارپایه در چهار گوشه استقرار داشته است .

تمام این ساختمان از آجر ساخته شده و دیوارهای آن تقریباً به ارتفاع هفت متر هنوز محفوظ مانده است . چهارطاق معروف هنوز هم در محل استقرار خود بخوبی قابل شناختن می باشد . در کف محوطه مربع شکل مرکزی یک فرورفتگی مربع شکلی وجود دارد و این فرورفتگی درست نقطه ایست که زیر تقاطع خطوط گنبد قرار دارد و آتش مقدس در آنجا می سوخته است . دیوارهای آجری ، این محوطه مرکزی را از راهروهای اطراف جدا می کرده و فقط معبرهای باریکی وجود داشته است .

موبدان در راهروها دور آتش مقدس می گشته اند و می توانسته اند چهاربار از روی دیوارهای کوتاه آتش را از میان چهارطاق بنگرند . در مشرق چهارطاق و درست در محور شرق و غربی آن ، یک اطاق صلیبی شکل در جوار آن قرار دارد که وسط آن هم یک گودال آجر چین شده وجود دارد . بالای این گودال ممکنست ، بطوری که آثار و شواهد موجود در گوشه ها نشان می دهد ، یک میز محراب روی چهارپایه وجود داشته است . ضمناً وجود یک چنین میزی را می توان در محوطه مرکزی چهارطاق نیز فرض نمود و بهر صورت از روی چند پایه ای که از سنگهای تراشیده ، ساخته شده و در کف زمین کار گذارده شده است ، می توان حدس زد که یک نوع میز ، در آنجا ساخته شده بوده است . بنا به عقیده هیئت حفاری ، آتش در اطاق صلیبی شکل همیشه می سوخته و در مواقع خاص و برای تشریفات معین ، از طرف موبدان به محوطه مرکزی چهارطاق برده می شده است .

در محوطه تخت سلیمان دو آتشدان کامل و یک آتشدان ناقص زمان ساسانیان ولی

نه در وضع اصلی آنها کشف گردیده که از لحاظ شکل با آتش دانهایی که روی سکه های ساسانیان منقوش است، مطابقت دارد.

در سال ۱۹۶۳ یک سرستون بیزانسی از مرمر پیدا شده که مربوط به اوائل قرن ششم بوده و جنس مرمر آن از نوع پروکونیزی بوده و بدین ترتیب از قسطنطنیه آمده بوده و در سال ۱۹۶۵ نیز یک سرستون دیگر مرمری کشف شده که ممکنست مربوط به اواخر دوره بیزانس بوده و در کاخ مغولها مورد استفاده قرار گرفته بوده است. از زمان مغولها دوسرستون از سنگ قرمز که روی آن تصویر ازدها نقش شده و همچنین سنگهای زینتی - قسمتهائی از ستونها و سایر قطعات ساختمانی و معماری یافت شده است.

در سالهای اخیر یک مجموعه از آثار مهرهای مربوط به زمان ساسانیان نیز در تخت سلیمان کشف شده است. مهرها روی قطعات کوچک گل فشار داده شده بود و در یک اتاق جنب مدخل حیاط در شمال آتشکده قرار داشته است. بر اثر حریق که ساختمان را منهدم کرده این آثار مهرگلی که گیل آنها در اصل در هوا خشک شده بوده بصورت گیل پخته درآمده و در نتیجه تا بحال محفوظ مانده است. در حال حاضر این آثار مهر برای مطالعه و تحقیق در اختیار آقای پرفسور دکتر «گوبل» در وین گذارده شده است، و در اینجا لازم می دانم از مقامات مربوطه ایرانی که حاضر شده اند آثار مهر مزبور جهت مطالعه به کشور اطریش فرستاده شود سپاسگزاری نمایم.

تقریباً در فاصله سه کیلومتری مغرب تخت سلیمان، زندان سلیمان قرار دارد و این کوه مخروطی شکلی است که از اطراف خود یکصد متر مرتفع تر است. این کوه نیز از رسوب آهکی تشکیل شده است. آب دریاچه بر اثر شکستن دیواره های کوه بخارج راه یافته و چشمه جوشان آن نیز خشک شده و یا چندصد متر دورتر بطرف مغرب بصورت چند چشمه کوچک از زمین بیرون می آید. دهانه این دریاچه که اکنون خشک شده و شبیه یک کوه آتشفشان می باشد 60×50 متر و عمق آن یکصد متر است. در کف این دریاچه سنگهایی که از بالای دیواره های دریاچه فرو ریخته به چشم می خورد.

بوسیله تونلی که از طرف مؤسسه «تیسن» از میان دیواره دریاچه زده شد، به داخل آن راه یافتیم و در آنجا حفریات محدودی نمودیم ولی آثار قابل توجهی از این حفریات بدست نیامد و فقط به این نتیجه رسیدیم که در زمان وجود معبد روی این کوه اشیاء گرانبائی به عنوان قربانی به داخل دریاچه، که در آن زمان آب داشته، ریخته شده بوده است، ولی تمام اشیائی که در دریاچه بوده، متأسفانه بر اثر وضع خاص زمین در کف دریاچه از بین رفته و نابود شده و در نتیجه از لحاظ باستانشناسی هیچ گونه تحقیقی میسر نگردید.

ولی از لحاظ زمین شناسی احداث تونل حائز کمال اهمیت بوده است، زیرا بوسیله ایجاد این تونل که با کمک های ذیقیمت مقامات ایرانی امکان پذیر شد، موفق شدیم به داخل دریاچه راه یافته و زمین شناسان توانستند درباره قشرهای زمین تحقیقات علمی بعمل آوردند. قسمتهای علیای دیوارها هنوز دارای قشرهای افقی هستند، در حالی که در قسمتهای سفالی دیوار، که آب دریاچه بیشتر در آنها بوده است، رسوب املاح بطرزی خاص و بشکل کاغذهای دیواری می باشد.

حفریات در زندان سلیمان در سال ۱۹۵۹ بوسیله هانس گئورگ اوهرلر آغاز شده و توسط این جانب ادامه یافته و در سال ۱۹۶۴ پایان رسیده است. تاریخ ساختمانهای که در دو دوره مختلف در زندان سلیمان ایجاد شده توسط آقای دکتر رایتر بوهرم کشف شده و در حال حاضر آخرین مقاله مربوط به آن در دست تهیه است.

تقریباً در دو ثلث ارتفاع این کوه در قرن هشتم قبل از میلاد یک ساختمان ایجاد گردیده بوده که بر طبق نظر اعضاء هیئت حفاری یک معبد بوده است. تقریباً در سه چهارم محیط این کوه یک حصار در یک ارتفاع مساوی دیده می شود و این حصار بصورت صندوقه ساخته شده بوده بدین ترتیب که از اطاقهای جنب یکدیگر تشکیل می شده و در فواصل منظم یکی از این اطاقها بصورت برج و بارو جلوتر از سایر اطاقها ساخته شده است. یک صفت در جلوی این حصار ادامه دارد و از سه دروازه می توان به داخل زندان وارد شد در حالیکه دروازه شرقی دروازه اصلی بوده است و راهائی از دره بسوی آن بالا می رفته است.

از حصار صندوقه‌ای و سایر ساختمانهای داخل زندان چیزی جز بقایائی که از سنگهای نامنظم بهم چسبیده تشکیل شده وجود ندارد و فقط قسمتهای پائین حصار هنوز محفوظ مانده و می‌توان فرض کرد که روی قسمت متشکل از سنگهای نامنظم قسمتهائی از خشت و گل ساخته شده بوده زیرا در برخی نقاط زندان حصارهائی از خشت و گل دیده شده است.

تجسم این حصار به وضع اصلی از روی اندازه افراد صورت می‌گیرد.

بالا تر از دروازه شرقی تالارهای مستطیل شکلی کشف شده که احتمالاً محل سکونت

موبدان بوده است. در قسمت داخلی ساختمان یک صفت بزرگ با حیاطی که جنب آن قرار دارد روی بلندی بچشم می‌خورد. یک جوی آب که در صخره ایجاد شده بوده و بر اثر رسوب آب مجدداً پر شده علی‌الظاهر آبی را که از شکاف کوه بیرون می‌آمده به دور این ساختمان می‌گردانده است. وجود جوی آب هم از لحاظ زبان‌شناسی و هم از لحاظ زمین‌شناسی دلیل قطعی بر اینست که دریاچه لا اقل هنگام وجود ساختمانهای دوره اول تا پائین‌ترین لبه خود، که در سمت جنوب کوه قرار دارد، آب داشته است.

هنگام بررسی در اطراف خاصیت ساختمانهای دوره اول به این نتیجه می‌رسیم که قسمتی که بارنگ سیاه مشخص شده منازل مسکونی و یا کاخ فرمانروای محل نبوده است؛ زیرا اطاقهای موجود در آن از لحاظ تعداد بحد کافی نبوده و نوع اطاقها نیز با آن منظور مغایرت داشته و یک دژ مستحکم نیز نمی‌توانسته باشد.

در مقابل صفت مورد اشاره که ابعاد آن کوچکتر از آنست که بتواند ساختمان بزرگی را تحمل کند، برای یک منظور مذهبی و روحانی ساخته شده بوده است، و اینکه این صفت بلافاصله در نزدیکی و در ارتفاع یکسان با پائین‌ترین نقطه شکاف لبه دریاچه قرار دارد بعقیده ما نشانه آنست که بین دریاچه و این صفت یک ارتباط وجود داشته است.

با توجه به این نشانه‌ها تصور می‌رود که زندان سلیمان یک معبد، و صفت، محل آتشکده بوده و بدین ترتیب ارتباط دو عنصر آب و آتش که برای یک معبد و آتشکده ضروری بوده نزدیک یکدیگر وجود داشته است، کما اینکه این امر بعداً یعنی در دوره ساسانیان در مورد تخت سلیمان صدق می‌کند.

بنظر ما زندان سلیمان معبد مقدس قوم مانتر در تمام منطقه دره ساروق در قرون هشتم و هفتم قبل از میلاد مسیح بوده و این امر در منابع تاریخی آسوریا و اورارتوئی ها ذکر شده است. در تأیید این نظریه تحقیقاتی که همکاران امریکائی ما در قریه حسنلو واقع در جنوب غربی دریاچه رضائیه نموده اند اشاره می‌کنم، که در آنجا نیز آثار قوم مانتر کشف شده و ظروف گلی که در زندان سلیمان بدست آمده از بسیاری جهات شبیه ظروفی است که در قریه حسنلو یافت شده است.

با این ترتیب از چند سال قبل دریچه‌ای از قسمت بسیار جالب تاریخ ایران باستان بروی ما گشوده شده است.

احتمالاً در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح زندان سلیمان توسعه یافته و بصورت یک دژ مستحکم درمی‌آید و ضمن حفاریهای خود در آنجا به این نکته پی بردیم که تبدیل آن بصورت یک دژ خیلی بسرعت انجام گرفته است؛ زیرا حصار صندوقه‌ای شکل در قسمت شمالی کوتاه و خیلی سطحی و بدون دقت ساخته شده است و علت آن شاید وجود خطر فوری از طرف آسوریا و اورارتوئی ها بوده است. قسمت شمالی کوه که تا آن زمان حصار آن بطور کامل ساخته نشده بوده در این موقع تکمیل شده است. دروازه‌های غربی و جنوبی آن بکلی مسدود شده و دروازه شرقی، هم از خارج و هم از داخل بوسیله ساختمان اطاقهای جدید و حصارهای دفاعی و برج و باروهای اضافی مستحکم تر گردیده است.

آنگاه در این دژ محکم و یا بهتر بگوئیم پناهگاه، در قسمت جنوبی کوه که مسطح تر می‌باشد یک دهکده بسیار محقر بنا گردیده. دیوارهای این دهکده در دو مرحله ساخته شده و بطوریکه از شواهد موجود برمی‌آید عمر این دهکده از یک قرن تجاوز نکرده است. تمام ساختمان زندان سلیمان بر اثر حریق نابود شده و این حریق نتیجه یک جنگ بوده است؛ زیرا در نقاط مختلف نوکهای نیزه و تیر و جلوی حصار شمالی اسکلت‌های انسانی یافته‌ایم. پس از بروز حریق، دیگر زندان مورد سکونت قرار نگرفته و احتمالاً مدت کوتاهی پس از خاموش شدن حریق، سطح آب دریاچه نیز پائین رفته است. و این امر ممکنست

نتیجه یک سازه طبیعی بوده باشد؛ زیرا در سمت شمالی کوه بنظر می‌رسد که از یک شکاف مقدار زیادی آب جاری شده و هر دو دوره ساختمانی حصار را شسته و با خود برده که رسوب آن هنوز روی دامنه کوه دیده می‌شود.

پس از عملیات حفاری سعی هیئت‌های حفاری بر اینست که از روی نقشه‌های سنگی و برش‌هایی که در محل تهیه شده ارتفاع ساختمانها را نسبت به قد و اندازه انسان از نو بسازند و در این ضمن تمام امکانات مربوطه را مورد توجه قرار دهند.

آنچه که در این مورد به ما کمک می‌کند حجاریهای زمان آشوریهاست که اطلاعات کلی درباره وضع و شکل این گونه دهکده‌ها و دژهای آن زمان و جزئیات ساختمانی عمارات و نوع لباسهای مردم در اختیار ما می‌گذارد. بدین ترتیب بتدریج یک تصور تقریبی از وضع اصلی زندان سلیمان بدست می‌آوریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی